

از خود را

نترسیده می ، ای من کردم بسم -

بخطه ای بی غم -

از خود را بسم -

بغنی که بسم -

برگ برزان روشن در گله قرآن

آسیا ز ما همچون زارا آت

در پستان بوی باد

برگ ~~و~~ طلائی

فر از سرم به پرواز آمدند

ارزو دلار

آفتاب و ما را آمدند ...

و او که در آید

در چشم نیت به ایراد است -

من مانند من

زفتن - خاندان

ستاره - روشن

+ + +

۱۲۷۵